



9 نوامبر 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

این نوشته که قبلاً بتاريخ 26 فبروری 2019 در این پورتال وزین به نشر رسیده بود، اکنون جهت تداعی خاطر در ارتباط با مصاحبه اخیر زلمی خلیلزاد با نجفی زاده باز نشر میگردد:

من هم با نویسندگان این نامه می پیوندم!

امروز مورخ 25 فبروری 2019 مطابق 7 حوت 1397 نامه جمعی از طرف یکعه فعالان مدنی و سیاسی افغانستان عنوانی زلمی خلیلزاد نگاشته شده و متن آن در روزنامه وزین 8 صبح به نشر رسیده است که مؤید نظر و تائید کامل اینجانب به حیث یک افغان مهاجر مقیم امریکا میباشد. تا جانیکه گمان می برم این نامه انعکاسی از صدا و ندای مشروع هزارها هزاره موطن درد دیده و با احساس افغان در داخل و خارج کشور خواهد بود.

اینجانب از مدت چند هفته است که صدای خود را پیرامون خطرات ناشی از اقدامات عجولانه خلیلزاد جهت زمینه سازی مذاکره با طالبان و آوردن گویا صلح در افغانستان بلند کرده و با نوشتن مقالات و تبصره ها این اقدامات را به نحوی که در جریان است، بسیار نا عاقبت اندیشانه و مضر به حال آینده کشور دانسته و تصریح داشته است که اگر صلحی با شیوه ایجاد گردد، ناپایدار بوده و بزودی جای خود را به شعله ور شدن یک جنگ دوامدار در افغانستان خواهد سپرد و از دود و آتش آن سرو کله تروریستان پیدا خواهد شد که این کشور را بار دیگر به لانه تروریزم تبدیل خواهد کرد.

مسلم است که طالبان اگر در افغانستان بقدرت دست یابند، اراده مستقل نداشته و ناگزیر اند برطبق دستور پاکستان عمل کنند. با این پلان خطیر نه تنها دست آوردهای 17 سال اخیر و نظام موجود که به صد مشکل میکوشد این کشور را به یک مسیر سالم مطابق به اقتضات جهانی رهنمون شود، از بین خواهد رفت، بلکه بجای آن مصیبت سالهای گذشته به شدت بیشتر تکرار خواهد شد. آنوقت راه بازگشت هر قدرت دیگر برای رفع معضله و خاموش کردن شعله های ویرانگر آن مسدود خواهد بود، زیرا دیگر مردم مظلوم افغانستان به هیچ وعده و وعید دیگران اعتماد نخواهد کرد.

جای شک نیست که صلح در این کشور یک ضرورت حیاتی است، اما نباید به قیمت خطرناک و مصیبت بار آینده و آنهم بطور ناپایدار بدست آید. همین حالا موقع آنست تا اقدامات را با آینده نگری و با در نظر داشت منافع مردم افغانستان و در نهایت ایجاد یک صلح و ثبات پایدار در این کشور توأم ساخت و نباید گذاشت کینه تاریخی مردم افغانستان در برابر انگلیسها و شورویها خانه کرده است، در برابر مردم شریف امریکا در اثر اجراءات ناعاقبت اندیشانه اداره موجود آن کشور تبارز نماید. باید متلفت بود که مردم افغانستان قربانی های زیاد داده اند تا امریکا در جنگ سرد فایق میدان قدرت در جهان گردد.

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

امیدوارم وبسایت وزین و ملی افغان جرمن آنلاین که به هزارها خواننده در داخل و خارج افغانستان دارد، متن این نامه را فوری برای نظرخواهی بگذارد تا علاقمندان در زمینه ابراز نظر فرمایند.

اینک متن نامه تقدیم میگردد:

نامه‌ی جمعی از فعالان مدنی و سیاسی به خلیل‌زاد (گروه دادخواهی برای صلح)

هشت صبح - سه شنبه، ۷ حوت ۱۳۹۷

۶ حوت ۱۳۹۷

جناب آقای خلیل‌زاد سلام و درود بر شما!

می‌دانیم که مشغولیت‌های شما زیاد است، خسته نباشید و برای‌تان در این مأموریت دشوار و پیچیده، آرزوی موفقیت و کام‌گاری داریم.

نیاز افغانستان به صلح و آرامش یک حقیقت غیر قابل انکار است. در حالی که تلاش‌های دولت افغانستان در امر تامین صلح و گشودن درب مذاکره با گروه‌های شورشی در یک‌ونیم دهه‌ی گذشته نتایج ملموس و ثمربخشی نداشته، با آغاز مأموریت تازه‌ی شما؛ این روند شتاب بیشتر یافته و امیدواری‌ها نسبت به آینده‌ی صلح آمیز افغانستان بیشتر گردیده است.

تجربه‌ی طولانی نقش‌آفرینی و حضور شما در عرصه‌ی سیاست افغانستان و دیپلماسی منطقه‌ای ایالات متحده امریکا ما را از پرداختن به مسایل جانبی مربوط به گذشته بی‌نیاز می‌سازد.

ما جمعی از فعالان مدنی، دانشجویان و دانش‌آموخته‌گان، فعالان سیاسی دموکرات که قضایا و روندهای سیاسی کشورمان را با نگرانی و حساسیت دنبال می‌کنیم، با انتباه از قانون اساسی ایالات متحده امریکا که از نمادهای بارز کار و تلاش برای تحقق آزادی و برابری در دنیای متمدن امروز است، با اتکا به قرارداد همکاری‌های استراتژیک میان افغانستان و امریکا و به عنوان متحده عمده‌ی امریکا و ناتو در جنگ با تروریسم در این نامه شما را مخاطب قرار می‌دهیم. ما با درک الزامیت‌ها، محدودیت‌ها و مجبوریت‌های شما در مأموریت پایان دادن به طولانی‌ترین جنگ ایالات متحده امریکا، مانند قانع ساختن طرف‌های درگیر و قدرت‌های منطقه‌ای برای حمایت از این روند، موارد زیر را به آگاهی‌تان می‌رسانیم:

۱ - ما می‌دانیم که دست‌آوردهای ۱۸ سال گذشته از بازسازی و توسعه زیرساخت‌ها گرفته تا برگزاری چند مورد انتخابات و دیگر تجربه‌های دموکراتیک افغانستان، بدون کمک‌ها و حمایت‌های همه‌جانبه‌ی ایالات متحده امریکا و ائتلاف جهانی ضد تروریسم دست‌یافتنی نبود. نظام کنونی محصول مشترک تلاش مردم افغانستان و حمایت همه‌جانبه و بی‌دریغ جامعه بین‌المللی در رأس ایالات متحده‌ی امریکا است. اما رویکردهای صرفاً نظامی‌گرانه، سیاسی و شتاب‌آلود در کار پایان‌بخشی به جنگ و مذاکره با طالبان، می‌تواند این دست‌آوردها را به گونه جدی به مخاطره اندازد.

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

درست است که مردم افغانستان به عنوان قربانیان اصلی این منازعه‌ی دوامدار بیش از هر زمان دیگری نیازمند صلح و خلق فضای همزیستی مسالمت‌آمیز در کشورشان اند. اما رأی‌زنی و طرح دیدگاه‌های انتقادی به منظور تامین سلامت و پایداری نتایج گفت‌وگوهای صلح الزاماً به معنای ضدیت با این روند نیست. از شما جداً تقاضا داریم تا دایره‌ی بحث و رأی‌زنی در پیوند با پیشبرد مأموریت مهم تامین صلح در افغانستان را هموار بسازید و به دیدار با چهره‌های سیاسی و مدنی و رسانه‌ای مشخص اکتفا نکنید.

۲- می‌دانید که پس از تشدید تلاش‌های شما در روند گفت‌وگو با طالبان، این نگرانی افزایش یافته که مبدا با امضای توافق نمادین صلح با طالبان، آزادی‌های مدنی و شهروندی، حقوق زنان، آزادی بیان و دیگر دست‌آوردهای ۱۸ سال گذشته زیر نام صلح در پای طالبان و تفکرات طالبانی قربانی شود. این هم درست است که افغانستان نمی‌تواند و نباید برای تامین امنیت و حفظ ثبات سیاسی خویش در دراز مدت به حضور نیروهای خارجی در قلمرو خودش متکی باشد. اما مدیریت پیامدهای سازش با طالبان و خروج پرشتاب سربازان امریکایی به سازوکارها و میکانیزم‌های شفاف و قابل اعتماد برای تمامی طرف‌ها نیازمند است تا این فرایند، تسلیمی دولت و برگشت به دوران طالبان تعبیر نشود.

۳- با امضای توافقات بن در سال ۲۰۰۱ افغانستان وارد مرحله‌ی تازه‌ای از حیات سیاسی خویش شد، شما به عنوان یکی از معماران این نظام به درستی می‌دانید که طالبان در هفده سال گذشته چرا و چگونه دو باره به بزرگترین مانع فراراه تامین ثبات سیاسی و امنیت سرتاسری در افغانستان تبدیل شده‌اند.

با وجود هزینه‌های سرسام‌آور امریکا و ائتلاف جهانی ضد تروریسم در افغانستان و منطقه، بی‌توجهی به بسترهای خشونت و تندروی در ساختارهای اجتماعی افغانستان و برخوردهای اغماض‌آمیز با پرورشگاه‌های ایدئولوژیک آنان در پاکستان، بزرگترین موانع کامیابی اجندای بین‌المللی دولت - ملت‌سازی در افغانستان پسا طالبان بوده اند. اکنون که به نظر می‌رسد جامعه‌ی بین‌المللی در رأس ایالات متحده‌ی امریکا به ایجاد حکومت موقت شبه طالبانی در افغانستان رضایت داده است، ما از این جهت نسبت به آینده‌ی خود و نسل‌های آینده‌ی کشور ما عمیقاً نگران و بیم‌ناک هستیم.

۴- اکنون که علاقه‌مندی رییس جمهور ترامپ، به نتایج زودهنگام مذاکرات و خروج بخش بزرگی از سربازان امریکایی از افغانستان نهایی به نظر می‌رسد، نشانه‌های زیادی در حال تبارز کردن است که تکمیل حلقه‌ی جنایت‌کاران قراردادی کشورهای منطقه، تندروان ایدئولوژیک و شبکه‌ای از سیاست‌گران ثروت‌مند و فاسد زیر نام حکومت موقت در افغانستان به دور از تصور نیست. طرح‌هایی که از سوی نهادهای تحقیقاتی غربی برای پروسه‌ی سازش در افغانستان تهیه شده و لابی‌گری گسترده‌ای که برای تطبیق یکی از این سناریوها ادامه دارد، در واقع نقشه راه حاکمیت طالبان و خویشاوندان فکری و ایدئولوژیک آنان به اضافه‌ی گروه‌ها و جریان‌های منزلی محافظه‌کاری است که در معامله بر سر آزادی‌های فردی، ارزش‌های شهروندی و دست‌آوردهای دموکراتیک اندک‌ترین تردیدی به خود راه نمی‌دهند.

۵- ما می‌دانیم که باج دهی بی‌رویه و غرض‌آلود به طالبان از درون نظام در یک‌ونیم دهه‌ی گذشته، پای این گروه را به ساختارهای اجتماعی عقب‌مانده و سنتی افغانستان بازتر کرد و دامنه‌ی تفکرات طالبانی را در ساختارهای مذهبی و مدارس دینی در کشور گسترده‌تر ساخت و در نتیجه تصویری در

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

ذهن متحدان بین‌المللی افغانستان پسا طالبان ترسیم کرد که این کشور «یک جامعه قبیله‌ای، مذهبی و عقب مانده» است که ظرفیت تامین و نهادینه‌سازی دموکراسی را ندارد.

نسل نو افغانستان با این طرز دید تحقیرآمیز نه تنها توافق ندارد، بلکه آن را مغایر با وجهی بین‌المللی و ارزش‌های بنیادین ایالات متحده امریکا و جهان آزاد تلقی می‌کند. در چنین شرایطی این حق و مسوولیت ما است که نگران از دست رفتن دست‌آوردهای ۱۸ سال گذشته، مانند حقوق بشر، ارزش‌های مدنی، برابری زنان و مردان، آزادی بیان و مهم‌تر از همه، افتادن سایه‌ی سنگین افراتیت مذهبی بر ساختارهای اجتماعی به شدت محافظه‌کار و مستعد خشونت در جامعه‌ی جنگ‌زده‌ی مان باشیم.

۶- برای تمامی کسانی که در زیر چتر نظام نوپای دموکراتیک و در سایه‌ی حضور نیروهای بین‌المللی در راستای نهادینه‌گی ارزش‌ها شهروندی و حقوق و آزادی‌های مدنی، برابری زنان و مردان و زیست مسالمت آمیز ساکنان این کشور کار و تلاش کرده اند، ابهام و نبود شفافیت در پروسه صلح و گفت‌وگو با طالبان در پیوند با سرنوشت امروز و آینده‌ی افغانستان به معنای نادیده انگاری یک کتله‌ی عظیمی از مردم بویژه نسل نو این کشور است.

۷- صلح و آرامش بزرگترین گم‌شده‌ی ما در شرایط کنونی است، اما جامعه‌ی افغانستان آستن حقایق تلخ و شیرینی است که نادیده‌گرفتن آن در روند صلح و سازش با طالبان می‌تواند برای ما و جهان آزاد خطرناک‌تر و هزینه‌بردارتر از جنگ کنونی باشد. زنان و جوانان بزرگترین کتله‌های اجتماعی افغانستان اند که با توجه به سرشت ایدیولوژیک طالبان، محدود شدن حقوق و آزادی‌های آنان از نتایج این گفت‌وگوها و در فرجام سازش احتمالی میان طالبان و ایالات متحده امریکا اجتناب ناپذیر است. نادیده گرفتن گذار نسلی‌ای که در این ۱۸ سال در افغانستان اتفاق افتاده و نسل آگاه، پرسش‌گر و بهرمنند از دانش نوین و فناوری‌های نوین ارتباطی که در این کشور تبارز کرده است، به مثابه‌ی حاتم‌بخشی از حقوق و آزادی‌های نسل نو و اکثریت قاطع مردم افغانستان تلقی می‌شود و قطعاً برای آینده ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی این کشور خطرناک و چالش آفرین خواهد بود.

۸- ما می‌دانیم که نارضایتی‌های فزاینده‌ای از کارکرد رهبری حکومت وحدت ملی وجود داشته و دارد، اما برای حفظ و تقویت نظام کنونی در ۱۷ سال گذشته هزاران تن از نظامیان خارجی، ده‌ها هزار تن از نیروهای دفاعی و امنیتی و افراد ملکی افغانستان کشته، زخمی، معلول و بی‌خانمان شده اند.

مدیریت تمایلات تباری و ایدیولوژیک، نیازها، الزامات و آسیب‌پذیری‌های وضعیت گذار افغانستان و به نتیجه رسیدن بحث تمرکز و عدم تمرکز قدرت سیاسی نیازمند واقع‌گرایی، دوراندیشی، ظرفیت و عقلانیتی بود که نخبگان سیاسی تکنوکرات و جهادی افغانستان پسا طالبان تا حدود زیادی از آن بی بهره بودند. با این حال برهم‌زدن اصالت نظام و نادیده‌گرفتن تجربه‌ی پر از آزمون و خطای دموکراسی و برگشت به حکومت موقت آن‌هم به محوریت طالبان و گروه‌های منزلتی محافظه‌کار و سنتی، قطعاً به حاشیه رفتن جریان‌ها و نیروهای اجتماعی ترقی‌خواه، جوان و تغییر طلب و تعطیلی حقوق زنان و بخش بزرگی از آزادی‌های اجتماعی خواهد انجامید.

۹- در فرجام این‌که ما بر بنیاد عقلانیت سیاسی و ضرورت پایان جنگ از پیوستن طالبان به روند دموکراسی در یک فرایند شفاف، همه شمول و با رعایت حقوق انسانی طرف‌های درگیر حمایت و پشتیبانی می‌کنیم.

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

با این حال به حکم حافظه تاریخی خویش یاد دهانی میکنیم که تحقق مدینه‌ی فاضله‌ی مورد نظر شما، آن‌گونه که از صحبت‌های نمایندگان طالبان در مسکو و پس از آن، بر می‌آید، ممکن است در کوتاه مدت فضا را برای برگشت نیروهای امریکایی و ناتو مساعد ساخته و همزمان برگشت امارت طالبانی در سیمای متفاوت تر آن را به طالبان و دیگر جریان‌های هم‌فکر و هم‌سنخ آنان نوید بدهد. اما احتمال برگشت افغانستان به انزوا و بی‌ثباتی داخلی و در نتیجه تبدیل شدن دوباره‌ی این کشور به لانه‌ی امن هراس‌افگنان و تندروان بین‌المللی را نیز افزایش خواهد داد. به این صورت رویای اصلی شما مبنی بر این که «ثبات و امنیت امریکا و جهان آزاد از جغرافیای افغانستان تهدید نشود» تحت هیچ نوع تضمینی در سطح منطقه تحقق نخواهد یافت.

با درود

گروه دادخواهی برای صلح

جمعی از جوانان، فعالان مدنی، دانشجویان و فعالان سیاسی افغانستان

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ